رویداد

مشهد، پرفروش‌ترین شهر ایران در «پاییزه کتاب»

با حمایت مدیریت شهری و استقبال گسترده همشهریان صورت گرفت

گروه ادبیات و اندیشه| مشهد و خراسان رضوی در طرح پاییزه کتاب امسال نیز خبرساز شدند. این طرح حمایتی فصلی در عرصه خرید و فروش کتاب که در سال‌های اخیر به ایجاد تجارت فرهنگی تا اندازه‌ای رونق داده است، امسال با کش‌وقوس‌هایی در مسیر برگزاری همراه بود. زمانی قرار شد طرح پاییزه کتاب در سال ۹۸ تنها در تهران و با حمایت شهرداری اجرا شود. بعد، سخن از حمایت شهرداری مشهد از برگزاری آن در مشهد به میان آمد و با انتشار اخباری دیگر، سرانجام وزارت ارشاد مژده برگزاری سراسری طرح را داد. با این حال، شهرداری مشهد سر حرفش ماند. در نتیجه زمان اجرای طرح در مشهد چند روز بیشتر طول کشید. اکنون با پایان یافتن طرح پاییزه کتاب و با لحاظ کردن بودجه‌های کلیه سازمان اجتماعی فرهنگی شهرداری مشهد برای ارائه تخفیف به شهروندان به این رویداد اختصاص داد، خبر رسیده است استان خراسان رضوی که بخش شایان توجهی از کتاب‌فروشی‌های آن در مشهد فعالیت می‌کنند، به فروش ۵۷ هزار و ۲۷۵ نسخه کتاب و قرار گرفتن در صدر پرفروش‌ترین استان‌ها بر پایه «تعداد کتاب» نایل شده است. بر پایه گزارشی که مؤسسه خانه کتاب منتشر کرده است، تهران و خوزستان رتبه‌های بعدی را در اختیار دارند. از دید مبلغ فروش نیز استان‌های خراسان رضوی، تهران و اصفهان پرفروش‌ترین استان‌ها شناخته شده‌اند. هم استانی‌ها با استقبال از تخفیف ارائه‌شده در ۷۰ کتاب‌فروشی مجری طرح پاییزه کتاب باعث شدند رکورد بیشترین میزان فروش کتاب در کل کشور به خراسان رضوی اختصاص یابد(این طرح در مشهد با حمایت شهرداری از بیش از ۵۰ کتاب‌فروشی، از ۲۹ آبان تا ۸ آذر ۱۳۹۸ تمدید شد). خراسان رضوی از لحاظ تعداد کتاب‌فروشی نیز پس از تهران که ۱۰۱ کتاب‌فروشی‌اش در طرح حضور داشتند در صدر قرار گرفته است. همچنین این گزارش حاکی است کتاب رشد (شعبه نادری) از اهواز، پردیس کتاب از مشهد، دنیای کتاب از قم، شهر کتاب از مشهد، کتاب فرازمند از رشت، کتاب رشد (شعبه مرکزی) از اهواز، کتاب آبان از مشهد، کتاب شرق از اهواز، شهر کتاب اصفهان (شعبه چهارباغ بالا) و نشر ثالث از تهران در صدر پرفروش‌ترین کتاب‌فروشی‌های طرح پاییزه کتاب ۹۸ براساس تعداد کتاب قرار گرفته‌اند.

طرح پاییزه کتاب ۹۸ با شعار «حال خوش خواندن» از ۲۳ آبان تا ۵ آذر در سراسر کشور و تا ۸ آذر در مشهد اجرا شد. ۶۰۸ کتاب‌فروشی از ۳۱ استان کشور در این طرح مشارکت کردند.

داستان، ابزاری برای درک عمیق انسان

گفت‌وگو با فرزانه قیاسی نوعی، داستان‌نویس، شاعر و مترجم

«هوای تازه» بخش تازه‌ای در صفحه ادبیات و اندیشه است که بنا دارد هر دو شنبه یکی از شاعران یا داستان‌نویسان یا مترجمان «جوان» شهر مشهد را در قالب گفت‌وگو معرفی کند.

هوای تازه

غزاله حسین‌پور| داستان می‌نویسد، شعر می‌گوید، داستان ترجمه می‌کند. ۲ کتاب هم از ترجمه‌هایش را به چاپ رسانده است اما بیش از هر چیز تمایل دارد داستان‌نویس باشد.

فرزانه قیاسی نوعی متولد سال ۱۳۶۴ و دانشجوی دکتری ادیان تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد است. از کودکی مانند خیلی از هم‌سن‌وسالانش به شعر و داستان علاقه‌مند بوده است اما طبع شاعری مادر را در گرایش خود به این حوزه تأثیرگذار می‌داند: معمولا پدر و مادرها علایق خود را به فرزندانشان منتقل می‌کنند و این قضیه در مورد مادرم من هم صدق می‌کند. او چون طبع شعر داشت، مرا هم به این حوزه تشویق می‌کرد. با توجه به اینکه مادرم از پنج‌سالگی‌ام نوشتن و خواندن را به من آموخته بود، از همان زمان شعر می‌نوشتم. این نوپسنده مشهدی از نوجوانی به نوشتن داستان کوتاه روی می‌آورد و در نوزده‌سالگی سرودن شعر را بیش از پیش جدی می‌گیرد. مدتی بعد، با خواندن آثار بزرگان داستان ایران دوباره به سمت داستان کشیده می‌شود و از سال ۹۲ این عرصه جدی‌ترین فعالیت ادبی او می‌شود. او داستان را یک بازنمایی از جهان می‌داند که می‌تواند به درک عمیق‌تر از ادم‌ها و رفتار و انگیزه‌های آنان کمک کند. می‌گوید: در یک داستان حتی شرورترین شخصیت می‌تواند در جایگاه خود حق داشته باشد. اینجاست که داستان و در کل، هنر درک عمیق‌تری به انسان می‌دهد. قیاسی که شکل های گوناگونی از حوزه‌های نوشتن را قلم زده است، تاکنون ۲ کتاب در زمینه داستان ترجمه منتشر کرده است: «سرخ پوست می‌رود» از ویلیام فاکنر و «زاله کش» از انوچ دانتیکا.

او مترجم شدن خود را حیلی اتفاقی می‌داند: در سال ۹۳ یکی از دوستانم ناشری را به من معرفی کرد و من یکی از داستان‌هایم را برای او فرستادم تا ببیند. ایشان به من داستانی خارجی معرفی کرد تا بخوانم و با شیوه نگارش آن آشنا شوم. من هم حین خواندن، متن را ترجمه و ویرایش می‌کردم. بعد، متن ترجمه شده را برای آن ناشر فرستادم. او معتقد بود خوب از کار درآمده است و خواست که در صورت تمایل، داستان‌های دیگری را هم ترجمه و به مجموعه تبدیل کنم تا به چاپ برسد.

این نوپسنده از میان ۳ حوزه فعالیت نوشتاری‌اش برای داستان اولویت قائل است. معتقد است موضوع و محتوا در شعر و داستان تفاوت دارد. او درباره محور موضوعی آثارش توضیح می‌دهد: در شعر مفاهیم و احساسات شخصی و درونی را بیان می‌کنم که بیشتر اوقات به سمت قضایی انتزاعی می‌رود اما در داستان، به زن و دغدغه‌های زنان می‌پردازم. البته می‌کوشم به دور از تعصب باشد. او به حال من، زن هستم و چاره‌ای از نگاه زنانه به داستان ندارم. او اکنون آثاری از نوشته‌های خود را در قالب رمان و مجموعه داستان آماده چاپ دارد اما برای عرضه آن‌ها به صورت کتاب هنوز اقدامی نکرده است. قصد این کار را دارم اما شرایط برای چاپ اثر به ویژه در مرشد سخت است. ناشران ترجیح می‌دهند با کسانی کار کنند که گمنام نباشند. همین طور داشتن آشنا و بارتی برای هر کاری حتی اینکه ناشر مدنظر کارت را بخواند ضرورت دارد. با این همه، خود را در جایگاهی نمی‌دانم که از مشکلات این حوزه بگویم. این وظیفه افرادی است که در گود هستند. از طرفی، نمی‌توان همه تقصیرات را گردن شرایط انداخت چون من هم اقدامی برای انتشار آثارم نکرده‌ام و عجله‌ای هم در این مسیر ندارم. من به طور جدی، راهم را در نوشتن دنبال می‌کنم و معتقدم زمانی می‌رسد که اتفاقات مثبت برای من هم بیفتد.

مردی که از هزار و یک شبِ مراکش آمد

درباره طاهر بن جلون، نویسنده مراکشی

ترجمه

هدی جاودانی| «نژادپرستی» سوژه بسیاری از نوشته‌های طاهر بن جلون (زاده یکم دسامبر ۱۹۴۴) است، موضوعی که به عقیده این نویسنده مراکشی مسلمان، همیشه وجود داشته است: «بشر همواره از همسایه خود واهمه داشته، می‌ترسیده است؛ از هر آنچه برای او بیگانه یا ناشناخته است، ترسی گسترده و فراگیر از چیزی که متفاوت از اوست. به همین خاطر، در دنیا همواره اقلیتی ناخواسته وجود دارد، اقلیتی طردشده.» بن جلون از سنت داستان‌گویی شفاهی برآمده است تنها با این تفاوت که میراث خود را روی کاغذ می‌آورد: «من این سنت شفاهی را مکتوب کرده‌ام. می‌دانم هیچ‌گاه توانایی این را ندارم که به مکان‌های عمومی بروم و برای مردم داستان تعریف کنم، اما فکر می‌کنم آن شیوه از داستان‌گویی که من به صورت مکتوب ارائه می‌دهم به این خاطر دل‌نشین است که درهای بسیاری را مقابل شما می‌گشاید. کودکی‌ام را با داستان‌های هزارویک‌شب گذراندم. سال‌ها بعد، در چهل‌سالگی، زمانی که هزارویک شب را در دانشگاه برای دانشجویانم تدریس می‌کردم، آن را مملو از مفاهیم نژادپرستانه یافتم، مفاهیمی که البته به سده دوازدهم میلادی بازمی‌گشتند. نویسندگان ناشناسی داشتند و در آفریقا، خاورمیانه یا چین اتفاق می‌افتادند. اما برایم شگفت‌انگیز بود که دنیای این داستان‌ها در بزرگ‌سالی و در میان داستان‌های خودم، پیدا شده بود.»

اما نوشتن برای او به راحتی به دست نیامده است. می‌گوید: «نویسنده کسی نیست که خود را در قفسی محبوس کند. او باید پیرامون خود را بنگرد و هنگامی که داستان‌هایی خارق‌العاده یا حتی معمولی می‌نویسد، جهانی را که در آن زندگی می‌کند، از نظر بگذراند.» زندگی حرفه‌ای طاهر بن جلون، در سال ۱۹۶۶ و زمانی آغاز شد که او به همراه ۹۳ دانشجوی دیگر، در کمپی متعلق به ارتش مراکش، بازداشت و تحت سنگین‌ترین شکنجه‌های روانی و جسمی بود. در همین هنگام است که او مخفیانه شعر می‌سراید و در جیب‌هایش پنهان می‌کند. اشعارش را با کلمات استعاری و دشوار در هم‌می‌آمیزد، از به کار بردن واژگانی چون «انقلاب» یا «شورش» حذر و خشم‌خود را با واژگانی دیگر جایگزین می‌کند تا مبادا کسی با پیدا کردن آن‌ها او را بیش از پیش تنبیه کند. با رهایی از اسارت، اشعار نجات یافته جلون، در مجله‌ای به چاپ می‌رسند و راه را برای نوشته‌های بیشتر او هموار می‌کنند: «ادبیات و می‌دانم هیچ‌گاه توانایی این را ندارم که به مکان‌های عمومی بروم و برای مردم داستان تعریف کنم، اما فکر می‌کنم آن شیوه از داستان‌گویی که من به صورت مکتوب ارائه می‌دهم به این خاطر دل‌نشین است که درهای بسیاری را مقابل شما می‌گشاید. کودکی‌ام را با داستان‌های هزارویک‌شب گذراندم. سال‌ها بعد، در چهل‌سالگی، زمانی که هزارویک شب را در دانشگاه برای دانشجویانم تدریس می‌کردم، آن را مملو از مفاهیم نژادپرستانه یافتم، مفاهیمی که البته به سده دوازدهم میلادی بازمی‌گشتند. نویسندگان ناشناسی داشتند و در آفریقا، خاورمیانه یا چین اتفاق می‌افتادند. اما برایم شگفت‌انگیز بود که دنیای این داستان‌ها در بزرگ‌سالی و در میان داستان‌های خودم، پیدا شده بود.»

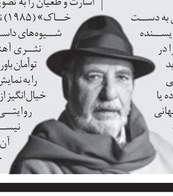

سیاست‌نامه، از خواجه نظام‌الملک تا فردوسی

نگاهی به نشریات دانشجویی مشهد (۱)

مجله خوان

غزاله حسین‌پور| «دانشگاه کارخانه انسان‌سازی است»؛ شاید اصلی‌ترین هدف دانشگاه، در همین جمله خلاصه شده باشد. آموزه‌های علمی و عملی در محیط دانشگاه، می‌تواند تفکر و راه و روش فرد را شکل دهد و تعیین کند. چه‌بسا ایده‌هایی که یک دانشجو پرداخته و رشد داده و تأثیر آن تا سال‌ها نمایان بوده است. فعالیت دانشجویی می‌تواند یله‌اول رشد اجتماعی، علمی و فرهنگی یک شخص باشد. یکی از نمونه‌های شاخص این فعالیت‌ها انتشار نشریه است. سال ۹۰، نشریه‌ای در دانشگاه فردوسی مشهد متولد شد که رؤیایی در ذهن یک دانشجو بود و اکنون نیز همچنان پایرجاست. مصطفی شوشتری هنگامی که در دوران دانش‌آموزی با کتاب «سیاست‌نامه» خواجه نظام‌الملک آشنا شده، همیشه به این فکر می‌کرده که بامسماترین نام برای یک نشریه مخصوص رشته علوم سیاسی «سیاست‌نامه» است. از نگاه او این نام هم معرف علم سیاست و هم از نظر بازگشت به فرهنگ گذشته ایرانیان، نوستالژیک است.

او در سال ۸۹ دانشجوی رشته علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد شد تا این رؤیای خود را محقق ببیند: ترم یک بودم. گروه علوم سیاسی همایشی با عنوان «عدالت در سیاست» برگزار کرده بود. برای ویژه‌نامه آن نشستی ترتیب داده شد و در آنجا پیشنهاد عنوان «سیاست‌نامه» را برای این ویژه‌نامه دادم، اما با آن موافقت نشد. بنابراین برای انتخابات جدید انجمن علمی آماده شدم. کارگاه نشریات را در تابستان ۹۰ گذراندم و در ۲۸ شهریور ۱۳۹۰ مجوز انتشار فصل‌نامه‌ای با همین نام را از دانشگاه گرفتم و با پیگیری و اصرار توانستیم در ۳۱ شهریور ۹۰ نخستین شماره خود را با موضوع استقبال از سال تحصیلی جدید چاپ کنیم.

از نکات مثبت و شایان توجه است، آن‌ها نقش پررنگی در سیاست‌نامه دارند و موفقیت‌هایی را برای آن رقم زده‌اند.

سمیرا ایزدپناه، نخستین مدیرمسئول سیاست‌نامه از میان دانشجویان دختر است که هم‌اکنون نیز این مسئولیت را بر دوش دارد. او که ورودی سال ۹۵ علوم سیاسی است، ۲ مبحث سیاست داخلی و روابط بین‌الملل را اصلی‌ترین موضوعات این فصل‌نامه می‌داند. زیرا این ۲، گرایش‌های اصلی دانشجویان علوم سیاسی هستند: با تخصصی‌تر شدن رشته‌ها مباحث دیگری نیز به محتوای آن اضافه شد؛ حالا دیگر سیاست‌نامه فصل‌نامه تحلیلی-تخصصی است و مسائل روز سیاسی و اجتماعی را در برمی‌گیرد.

یکی از مشکلات در برابر نشریات، مسائل اقتصادی و گرانی کاغذ است که به ویژه در این اواخر شدت پیدا کرده است. چنین شرایطی سبب می‌شود نشریه مورد بحث زمستان سال گذشته آخرین شماره کاغذی خود را منتشر کند و پس از آن، تنها به شکل پی‌دی‌اف انتشار یابد. ایزدپناه می‌گوید: تا پیش از این، مشکلات حل‌شدنی بودند اما با گران شدن کاغذ، نه تنها سیاست‌نامه بلکه دیگرنشریات نیز به مشکل چاپ برخوردند. در گذشته شمارگان ما بین ۲۰۰ تا ۶۰۰ نسخه و به اندازه‌ای بود که نشریه را به دانشگاه‌های دیگر و پردیس دانشگاه فردوسی نیز ارسال می‌کردیم. اما پس از گرانی، توان چاپ ۱۰ نسخه اصلی برای تحویل به خانه نشریات دانشگاه را هم نداریم. متأسفانه بهای کاغذ چندین برابر شده و اگر در سال‌های گذشته با ۲ میلیون تومان نشریه چاپ می‌کردیم، الان فقط هزینه چاپ بدون طراحی و ویراستاری ۲ میلیون تومان می‌شود.

از نقاط قوت این نشریه دانشجویی، برقراری ارتباط مؤثر با دانشجویان دیگر دانشگاه‌های کشور از طریق چاپ مقاله آن‌هاست. همچنین سیاست‌نامه توانسته است انفکارات متعددی کسب کند که اگر فقط از موفقیت‌های سال ۹۷ نام ببریم، می‌توان به کسب رتبه سوم نشریات دانشجویی برتر سیاسی کشور در جشنواره تیتر ۱۱، رتبه اول بررسی برچام و انرژی هسته‌ای در جشنواره‌های داخلی دانشگاه، رتبه اول علمی-تخصصی و رتبه دوم نشریه برتر از دید دانشجو در جشنواره هجدهم داخلی دانشگاه و رتبه اول طراحی و گرافیک در جشنواره حرکت (مربوط به انجمن‌های علمی) اشاره کرد. با این همه، مدیرمسئول آن معتقد است حمایت‌ها از طرف مسئولان در دوره‌های قبل بیشتر بوده است ولی از سال گذشته، با وجود افتخارآفرینی نشریه در جشنواره‌های مختلف، نه تقدیری از آن به عمل آمد و نه امتیازی به اعتبارش افزوده شد. او پیشنهاد می‌دهد با توجه به اینکه دانشجویان نوورود با نشریات دانشجویی آشنایی ندارند، برنامه‌ها و جلسات همفکری برگزار و نشریات دانشجویی معرفی شوند.

نشریه دانشجویی سیاست‌نامه هم‌اکنون با صاحب‌امتیازی انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد و سردبیری ماندانا دریانورد منتشر می‌شود.

به روایت تصویر

برگ‌ریزان در جهان وهم‌آلودِ خیال

نگاهی به نمایشگاه نقاشی برگ‌های پاییزی در نگارخانه رادین

امیرمنصور رحیمیان| بچه که بودم، از راه رفتن روی برگ‌ها لذتی می‌بردم که انگار در حال پرواز روی ابرهایم. نفاوتش در برگ‌ها و کوچکی و بزرگی آن‌ها نیست؛ در حس‌وحال آدم است. آن سال‌ها پاییز رنگ‌وبوی دیگری برایم داشت. جالب اینکه جماعت دست‌به‌قلم و اهل قریحه هم پاییز را خوش‌تر می‌دارند. از بارانی که رگبار ورش‌بار می‌بارد، از علون شدن اشجار و دشت و دمن، از رنگ‌وبوی پیرانه‌ای که در هوا غلت می‌زند و از باران برگ و رنگ که می‌ریزد روی سر و کله آدمی، قدح روحشان لبریز می‌شود و جام‌ها را از شعر و نقش پُر می‌کنند. به عبارتی دیگر، هر چیز این فصل تأثیر خودش را می‌گذارد در روح و جان آدمیان. حتی فروغلتیدن برگ‌های زرد و نارنجی درختان: البته این رنگ‌ها، رنگ پاییزند و این فصل را به همین زردی و سرخی می‌شناسند ولی در شهرهای پردودم امروز که دیدن رنگ خام هر چیز، زیر لایه‌ای از غبار و دود، نامعکن می‌نماید، دیدن و لذت بردن از رنگ‌بازی طبیعت، کار هر کسی نیست. هنرمند آن کسی است که بتواند روح هر چیز را از پس لایه‌های غبارآلود، ببیند. عفت امجدی‌پور در «نمایشگاه نقاشی برگ‌های پاییزی»، تمرکزش را روی همین موضوع گذاشته است. او سعی کرده زیبایی‌های اطراف را جمع کند و در قالب خشکیده‌برگ‌های فرافتاده که هر روز لگدمال می‌توجهی ما می‌شوند، به تماشا بگذارد: نمایشگاهی سرشار از خلاقیت و زیبایی که در همان ابتدای امر، تکلیف خودش را از دیگر نمایشگاه‌های این دست جدا می‌کند. عفت امجدی‌پور در تصمیمی درست، کار را جدی گرفته است. از تعداد آثار، شکل قاب‌بندی و نوع نمایشش گرفته تا طرح‌های خلاقه روی برگ‌ها با تکنیک‌ها و سبک‌های متنوع. او در بیشتر کارها، از به‌هم آمیختن سبک‌های نقاشی با تفکری کارتونی و سوررئال و به کار گرفتن همه زاویه‌ها و اجزای طبیعی برگ‌ها، توانسته است مخاطب را پای تابلو میخکوب کند. می‌شود این را گفت که امجدی‌پور با اینکه بر نقاش بودن اصرار می‌کند، هنوز کارتونیست است و جهان را از آن زاویه می‌بیند. تفاوت بین کارتونیست و نقاش سوررئال، خط بسیار باریکی است. یک نقاش غیرواقع‌گرا، با در هم تنیدن اجزای یک چیز و به‌هم ریختن قسم‌های متفاوت از اجسام مختلف، دست به خلق چیزی غیرواقعی می‌زند- که درقالب مواقع چندان خوشایند ذائقه نمی‌آید یا درک مفهومش برای مخاطب عام، سخت می‌نماید- حال آنکه یک کارتونیست همان کار را می‌کند، ولی مفهومی عامیانه‌تر و شیرین‌تر را بیان می‌کند. همین باعث می‌شود که وقتی مخاطب به یک فیل که در نیمه‌برگ پاییزی خورد شده‌ای قرار گرفته است نگاه می‌کند، ظلم آدمیان را به طبیعت دریابد و حس خوبی هم به کار ببدا کند: البته همه جا کاستی‌هایی وجود دارد. در بعضی آثار، ایده در قالب اثر دنبی گنجد و از آن بیرون زده است. در برخی دیگر، ایده‌ها هم دستی و ساده‌اند و در پاره‌ای از کارها این موضوع به ذهن می‌آید که هنرمند فقط برای تکمیل مجموعه، این آثار را تولید کرده است ولی این موضوعات، در کل ماجرا هیچ خللی ایجاد نمی‌کند. به نظرم این دست نمایشگاه‌ها اولا برای هنرمند وجهه مطلوبی دارد و در مرحله بعدی به نگارخانه برگزارکننده‌اش آبرو می‌دهد و مردم را با نگارخانه‌ها آشتی می‌دهد؛ مثل دیدن یک فیلم خوب در سینما. مخاطب احتیاج دارد هرازگاهی هوای تازه‌ای به سر و صورتش بخورد و از رخوت دودناک شهر بیرون برود، حتی در جهان وهم‌آلود خیال هنرمندان.

این نمایشگاه تا ۱۳ آذر در نگارخانه رادین واقع در بولوار سجاد، حامد جنوبی ۱۲، میزبان علاقه‌مندان است.

عکس‌ها: مهرداد شهرزا

مقام معظم رهبری:
باید خرید کتاب، یکی از مخارج اصلی خانواده محسوب شود. مردم باید بیش از خریدن بعضی از وسایل تزیینات و تجملاتی... به کتاب اهمیت بدهند؛ کتاب را مثل نان و خوراکی و وسایل معیشتی لازم بخرند. بعد که تأمین شد، به روابط بپردازند.»

رونمایی و خوانش کتاب
خاطرات مریم مُقدس
تا ابد با تو می‌مانم
مریم عرفانی
با حضور سردار نجاتی و همرشان به همراه نویسنده کتاب حانیم مریم‌عرفانیل
مشهد، بلوار سجاد، چهارراه کارپرز، سالن همایش موسسه فرهنگی قدس
همه شما دعوتید.
چهارشنبه ۱۳ آذر ۹۸ ساعت ۱۷
www.Behsaht.ir
www.Behsaht.com

گفت‌وگو

شاهنامه گنجی برای دنیای سینماست

گفت‌وگو با کارگردان پویانمایی «آخرین داستان»، نماینده سینمای ایران در اسکار

غلامرضا زورانی| هرچه پیش می‌رویم، ارزش، جایگاه و اهمیت شاهنامه فردوسی در سینما و فیلم‌سازی بیشتر درک می‌شود و بر تعداد سینماگرانی که جذب داستان‌های شاهنامه می‌شوند، روزبه‌روز افزوده می‌شود و هنرمندانی که دستی در تولید فیلم‌های پویانمایی دارند، به ویژگی‌های شاهنامه بیشتر پی برده و از جادوی تصویرسازی فردوسی در کارهایشان بهره بردهاند.

استفاده از ظرفیت‌های شاهنامه به هنرمندان ثابت کرده است که می‌توانند آثاری جذاب، هم از منظر داستان و هم تصویر، خلق کنند که نه‌تنها توجه مخاطبان داخلی که نگاه خارجی‌ها را هم به خود خیره کنند.

«آخرین داستان» پویانمایی سینمایی که برداشتی آزاد از داستان ضحاک شاهنامه است و موفق شده راهی جشنواره اسکار شود و در فهرست فیلم‌های اصلی این رویداد مهم بین‌المللی قرار بگیرد، این روزها در سینماهای کشور به روی پرده رفته است. «آخرین داستان»، به نویسندگی و کارگردانی اشکان رهگذر، در تهران تولید شده است و رهگذر و گروهش، هشت سال برای ساخت آن زمان صرف کرده‌اند. این پویانمایی یکی از پروژه‌های بزرگ پویانمایی در ایران است که تاکنون به فرجام رسیده و با تکنیک دوبعدی دیجیتال ساخته شده است.

در ادامه، گپ‌وگفتی داشتیم با کارگردان این اثر اسکارفرنته به بهانه آغاز اکران فیلمش در سینماهای کشور.

● بهداد برای ضحاک

جدا از داستان شاهنامه‌ای که در این فیلم روایت می‌شود، حضور حامد بهداد، بازیگر مشهدی سینما و تلویزیون، در این اثر به عنوان صدا پیشه ضحاک، جالب توجه است. پرویز پرستویی، لیلا حاتمی، شقایق فراهانی، اشکان خطیبی و چندین تن دیگر از هنرمندان مطرح سینما و تلویزیون قرار بهداد، صداپیشگی شخصیت‌های این اثر را برعهده داشته‌اند. کریستف رضاعی هم موسیقی آن را ساخته که موفق شده است جایزه کوکومیکس موسیقی را برای استفاده درست از موسیقی از بیستمین جشنواره بین‌المللی انیمیشن بوچنون کره دریافت کند. در کنار این‌ها، شهرام ناظری تیتراژ پایانی را خوانده که چند روز پیش نیز از موزیک ویدئوی آن رونمایی شد و علیرضا علویان کار صداگذاری فیلم را در مسکو انجام داده است.

● گنج شاهنامه

آخرین داستان ثابت می‌کند که داستان‌های شاهنامه، جهان‌شمول است و برای همه زبان‌ها و زمان‌ها حرف برای گفتن دارد. همان‌طور که رهگذر باور دارد داستان ضحاک تقابل خیر و شر است و این تقابل را همه جهان درک می‌کنند و آن را می‌فهمند: «شاهنامه ظرفیتی دارد که اگر ده‌ها گروه براساس آن فیلم بسازند و هر دوسه سال یک خروجی هم داشته باشند، ده‌ها سال دیگر هم می‌توانیم از آن متل یک معدن، گنج استخراج کنیم. فضای اساطیری و اسطوره‌ای شاهنامه و تصویرسازی فردوسی با کلمات، این امکان را فراهم آورده است.»

● هنرگویای تمدن و قدمت

حضور جهانی پویانمایی «آخرین داستان» باعث شده است توانمندی‌ها و قابلیت‌های پویانمایی ایران به دنیا معرفی شود. با اینکه این صحبت‌ها بیشتر به یک ادعا شبیه است، از حرف‌های رهگذر می‌توان دریافت که آخرین داستان به‌عنوان یک پویانمایی آیرومند در جهان ظاهر شده است: «تولید یک اثر هنری، گویای تمدن، قدمت و غنای یک ملت است. ما می‌توانیم با تولید این آثار با تبلیغات منفی و زشت رسانه‌های غربی، مقابله و جهان را شگفت‌زده کنیم. در جشنواره انسی سال ۲۰۱۷ که به فرانسه رفته بودیم تبا اثر را به تهیه‌کنندگان بین‌المللی معرفی کنیم، یکی از آن‌ها در جلسه معرفی به ما گفت فکر نمی‌کرد ایران پویانمایی همه‌چیز فراهم باشد و هیچ مشکلی سر راه گروه تولید نباشد، هر سه تا چهار سال می‌توانند یک اثر سینمایی تولید کنند. هرچند هشت سالی که تولید پویانمایی آخرین داستان به طول انجامیده، همه‌اش صرف تولید نشده است: «بخشی از این زمان را با مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کردیم. هیچ‌کس ما را جدی نمی‌گرفت و از ما حمایت نمی‌کرد و به همین خاطر با مشکلات مالی فراوانی درگیر بودیم. آن‌هایی که ما حاضر می‌شدند حرفمان را گوش کنند، قول‌های بی‌پایه و اساس می‌دادند. ما این کار را با فروش خانه و ماشین و هزینه‌های شخصی و کسب درآمد از کارهای سفارشی ساختیم. البته بخشی از هزینه‌ها را هم تهیه‌کننده خصوصی تقبل کرد اما هیچ‌وقت متوقف نشد.»

همین عشق به کار پویانمایی رهگذر و گروهش را در ادامه کار با همه سختی‌ها ثابت‌قدم نگه داشت: «این همه‌چیز فراهم باشد و هیچ مشکلی سر راه گروه تولید نباشد، هر سه تا چهار سال می‌توانند یک اثر سینمایی تولید کنند. هرچند هشت سالی که انجامیده، همه‌اش صرف تولید نشده است: «بخشی از این زمان را با مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کردیم. هیچ‌کس ما را جدی نمی‌گرفت و از ما حمایت نمی‌کرد و به همین خاطر با مشکلات مالی فراوانی درگیر بودیم. آن‌هایی که ما حاضر می‌شدند حرفمان را گوش کنند، قول‌های بی‌پایه و اساس می‌دادند. ما این کار را با فروش خانه و ماشین و هزینه‌های شخصی و کسب درآمد از کارهای سفارشی ساختیم. البته بخشی از هزینه‌ها را هم تهیه‌کننده خصوصی تقبل کرد اما هیچ‌وقت متوقف نشد.»

● شاهکاری که جدی گرفته نشده است

مدت زمانی که برای تولید آخرین داستان صرف شده است، طولانی است و قطعا این حسرت برای علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر وجود دارد که پویانمایی‌ها با قدرت بیشتر تولید شود اما رهگذر می‌گوید که اگر همه‌چیز فراهم باشد و هیچ مشکلی سر راه گروه تولید نباشد، هر سه تا چهار سال می‌توانند یک اثر سینمایی تولید کنند. هرچند هشت سالی که تولید پویانمایی آخرین داستان به طول انجامیده، همه‌اش صرف تولید نشده است: «بخشی از این زمان را با مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کردیم. هیچ‌کس ما را جدی نمی‌گرفت و از ما حمایت نمی‌کرد و به همین خاطر با مشکلات مالی فراوانی درگیر بودیم. آن‌هایی که ما حاضر می‌شدند حرفمان را گوش کنند، قول‌های بی‌پایه و اساس می‌دادند. ما این کار را با فروش خانه و ماشین و هزینه‌های شخصی و کسب درآمد از کارهای سفارشی ساختیم. البته بخشی از هزینه‌ها را هم تهیه‌کننده خصوصی تقبل کرد اما هیچ‌وقت متوقف نشد.»

● مقاومت برای آیندگان

با آنچه تا اینجای کار گفته شد، می‌توان حدس زد که اوضاع پویانمایی در ایران روبه‌راه نیست اما همچنان گروه‌های علاقه‌مند به این شاخه از هنر مقاومت می‌کنند تا راه برای آیندگان هموارتر شود. به قول رهگذر، همیشه تکنیک پویانمایی جلوتر از توجه و حمایت به آن بوده است: «اوضاع پویانمایی خیلی مساعد نیست اما هر روز دارد بهتر می‌شود. نمی‌گویم خوب است اما همین الان هفت هشت تا پروژه پویانمایی در حال تولید است و توجه‌ها به آن بیشتر جلب شده است. هنرمندان بزرگی را به استودیوهای معتبر و بزرگ پویانمایی‌سازی دنیا صادر کردیم که خب، اگر شرایط مساعد باشد، در کشور خودشان کار می‌کنند و این نشان از پیشتاز بودن تکنیک پویانمایی‌سازی در ایران است. همکاران ما که می‌توانند همسان با استانداردهای جهانی کار کنند، بازار کاری در کشور خودشان ندارند.»

● پویانمایی سیم‌رُخدار

این پویانمایی که منتظر است سرنوشت شورانگیزی را با اعلام آرای اعضای آکادمی اسکار برای خود رقم بزند، تاکنون توانسته است ۱۱ جایزه داخلی و خارجی را به خود اختصاص دهد. همچنین این پویانمایی بلند توانسته است به دعوت جشنواره «انسی» فرانسه به بازار فیلم کن برود. درکنار این‌ها، آخرین داستان توانسته است در جشنواره مذکور نخستین جنبش اجتماعی مردم علیه ظلم و ستم یک نیروی بیدادگر و اهریمنی است که درمیان همه اسطوره‌های جهان، ظلم‌ستیزانه‌ترین نماد است. داستان کاوه و ضحاک، نماد پیروزی دادگری بر بیدادگر است که با بازگویی این نمادها می‌توانیم آرامش را برای جهان و بشر به ارمغان بیاوریم.

●استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرتفکش مشهد

یادداشت

نمادهای شاهنامه، نماهای فیلم‌نامه

علیرضا قیامتی*| در روز گار کنونی که دوران گسست فرهنگی و ازخودبیگانگی است و ما با گذشته و تاریخ خودمان و فرهنگ راستین و نابِ خویش که ریشه در اخلاق و معنویت و خردورزی و دادگری داشته است فاصله گرفته‌ایم، توجه به شاهنامه به ویژه از منظر هنر و نمایش می‌تواند بسیار کارآمد و تاثیرگذار باشد و فرهنگ شاهنامه و فرهنگ ایران را بیش از پیش بازتاب دهد؛ البته در دانشگاه‌ها به این فرهنگ از منظر پژوهش، توجه شده است اما ما نیاز داریم که شاهنامه را بیشتر به مردم معرفی کنیم و برای اینکه شاهنامه به زندگی مردم بیاید، نیازمند یم هنر را به خدمت بگیریم. هرچند در سال‌های اخیر سینما و تئاتر توجه بیشتری به شاهنامه کرده‌اند، ما باید تلاش کنیم تمام مفاهیم شاهنامه را به گوش همه مردم که در حوزه تمدنی ایران فرهنگی جهان هستند، برسانیم. کارکردی که یک فیلم یا یک نمایش یا حتی یک نقالی و یک عکس می‌تواند داشته باشد، شاید فراتر از ده‌ها مقاله علمی باشد. باور دارم که تولیدات هنری، ارزش، اهمیت، نفوذ و دایره تاثیرگذاری بیشتری دارند و این موضوع را باید به فال نیک بگیریم. چینی‌ها پیش از ما با ساخت سریالی برای اسطوره کهن خود، «لیان شاهیو»، کوشیدند که مفاخر خویش را به جهان معرفی کنند و همه را تحت تاثیر تاریخ خود قرار دهند. بعد از آن‌ها، کره‌ای‌ها با ساخت سریال «افسانه گوگوریو» در تلاش‌اند تا با ساخت سریال «افسانه گوگوریو» خود «فرش کاویان» را نماد ملی بگیرند که بعدها در تاریخ و فرهنگ ما جاودان می‌شود و ناسیابی «جمشید» را که «فره ایزدی» از او برمی‌گردد، همه از شخصیت‌پردازی‌های زیبایی است که فردوسی، آن‌ها را در داستان ضحاک آورده است. آنچه این داستان را برای پرداخت سینمایی بارز می‌کند، نماد پردازی ویژه شاهنامه است. نمادهای اهورایی و نمادهای اهریمنی است. می‌خوانید که اهریمن در قالب «خو